

موسیقی مرگ تمدن‌ها

هادی شجاعی

اشاره:

صنعت موسیقی با توجه به تأثیر عمیق و غیر قابل آن در ترویج افکار و عقاید، همواره به عنوان یکی از ابزارهای بالقوه سیستم‌های فرهنگی و سیاسی، در کنترل ذهن افراد در جای جای جهان مطرح بوده است؛ امری که مطالعه تاریخ مکتوب و غیر مکتوب بشر نیز بر آن صحنه می‌گذارد. امروزه موسیقی در کنار و گسترش اندیشه‌ها تبدیل شده و مکاتیبی چون فراماسونری به نحو غیر قابل انکاری در جهت ترویج افکار خود از آن بهره‌برداری می‌کنند.

استفاده از موسیقی، مهم‌ترین ابزار فرقه‌های انحرافی و شیطانی، در جهت تبلیغ عقاید خود و نیز تحت تأثیر قرار دادن جامعه، به خصوص قشر جوان است. این گروه‌ها گاهی خود به عقاید مبتدل و ضد ارزشی خود اذعان کرده و گاهی نیز بدون این ادعا، به تضعیف بنیان‌های ارزشی و دینی و تبلیغ افعال شیطانی خویش می‌پردازند.

به گفته بسیاری از محققان غربی و شرقی، در صنعت موزیک در بسیاری از آهنگ‌ها، مفاهیم کاملاً ضد انسانی و غیر اخلاقی از جمله اعتیاد، دزدی، قتل، مسائل جنسی، همجنس‌بازی، کفر و ناسزاگویی، تقدیس شیطان، توهین به تعالیم پیامبران و ... مطرح می‌شود که عمدتاً به صورت تبلیغی و تشویقی بیان می‌شوند. تکرار مکرر این آهنگ‌ها و مفاهیم است که زمینه تغییر تدریجی فرهنگ جوامع را فراهم می‌آورد و این چنین می‌شود که معنویت و مسائل اخلاقی و انسانی، به مدد آهنگ‌های پرمحتوای خواننده‌های دست‌نشانده شیطان، به مرور زمان از جوامع انسانی رخت بسته و جای خود را به تفکرات دنیپرستی، ماتریالیستی، اومانیستی و غیر انسانی می‌دهد و ذره ذره، بشریت را به سوی نابودی سوق می‌دهد.

صنعت موسیقی با توجه به تأثیر عمیق و غیر قابل انکار آن در ترویج افکار و عقاید، همواره به عنوان یکی از ابزارهای بالقوه دستگاه فراماسونری و ایلومنتی در برده‌سازی مردم جهان به سوی خود و اجرای پروژه موارش و کنترل ذهن افراد در جای جای جهان مطرح بوده است. فراماسونری موفق شده با فرایند هنر پست‌مدرن در موسیقی پست‌مدرن و سینمای پست‌مدرن، زمینه‌هایی را فراهم کند تا بر دورانی که در آن، ترس از مدرنیسم موضوعیت پیدا کرده، حاکم شود.

امروزه خوانندگان مشهوری چون Lady GaGa، Rihanna، Jay-Z، Britney Spears و ... که آشکارا در خدمت اهداف فراماسونری قرار دارند، تبدیل به بتی برای جوانان شده‌اند. جوانانی که خواسته یا ناخواسته در درازمدت، تحت تأثیر پیام‌های منفی و برنامه‌ریزی شده موجود در آهنگ‌هایشان قرار می‌گیرند. پیام‌هایی که ممکن است آگاهانه و مستقیم و یا به صورت غیر مستقیم به ذهن مخاطب منتقل شود. پیام‌هایی که اگرچه ممکن است بسیاری از ما به تأثیر منفی آن‌ها اعتقادی نداشته باشیم و نتوانیم آن را درک کنیم، اما ایلومنتی و دستگاه‌های فراماسونری، بر خلاف ما، بسیار به تأثیر این پیام‌ها باور داشته و به آن دل بسته و سرمایه‌گذاری‌های زیادی را نیز روی آن انجام داده و می‌دهند.

این گروه‌های شیطانی پرنفوذ، قادرند به وسیله کنسرتی که اجرا می‌کنند، مردم را به صدمه زدن به خود و حتی خودکشی ترغیب کنند. مثلاً در مورد گروه «پینک فلوید»، میانگین خودکشی یا صدمه رساندن شدید به خود، بعد از هر اجرای این گروه، ۱۵ تا ۲۰ نفر است. یا این که پس از پایان یکی از برنامه‌های «بیتل‌ها»، برای اولین بار به طور دسته جمعی به جوانان حاضر در کنسرت «هیستری» دست داد. جوانان که از موسیقی پر هیجان آن‌ها عاصی شده بودند، به خیابان‌ها ریختند، اتومبیل‌ها را آتش زدند، شیشه‌های مغازه‌ها را شکستند و تعداد ۱۳۵ نفر از آن‌ها از فرط هیجان غش کردند که به بیمارستان منتقل شدند. در یکی دیگر از برنامه‌های بیتل‌ها در «گلاسکو»، ۳۰۰ نفر دختر، یک‌جا غش کردند.^۱ پیام‌های عمده این آهنگ‌ها، بر پایه کفر به خدا و انبیاء، دعوت به سکس، مواد مخدر، خودکشی و قتل است و به طور دائم در طول اجرای موسیقی و کنسرت، با هدف کنترل ذهن مخاطب طرح و بیان می‌گردند. این پیام‌ها اغلب با صدای بسیار ضعیف و کوتاه در پس زمینه نوار ضبط می‌شود که گوش قادر به شنیدن مستقیم آن‌ها نیست. اگر در حالت طبیعی شنیده شود، چیزی از پیام را نمی‌توان شنید و فقط متن ساده نوار شنیده خواهد شد و از قدرت شیطانی خفته در پشت نوار آگاه نمی‌شویم.

«ویلیام دورل»، متخصص مغز و اعصاب، در طی تحقیقات چهارده ساله خود می‌نویسد: «در مغز انسان

فراماسونری موفق شده با فرایند هنر پست‌مدرن در موسیقی پست‌مدرن و سینمای پست‌مدرن، زمینه‌هایی را فراهم کند تا بر دورانی که در آن، ترس از مدرنیسم موضوعیت پیدا کرده، حاکم شود.



خوانندگان بسیاری چون لیدی گاگا، مدونا، بریتنی اسپیرز و ... در سایه حمایت‌های فراماسونری و ایلومنتی و با سرمایه‌گذاری هنگفت آن‌ها، به شهرتی یک شبه دست یافته و در راستای پروژه‌های کنترل ذهن، خود به ابزاری در خدمت ترویج اهداف فراماسونری در عرصه موسیقی تبدیل گردیده‌اند.

دستگاهی مانند کامپیوتر وجود دارد که اطلاعات غیر منطقی و مستقیم را از مغز دور می‌کند و انسان را وادار می‌دارد تا این اطلاعات را فراموش کند، ولی اگر هر گونه اطلاعاتی به بخش خاصی از مغز برسد، مغز آن را بدون چون و چرا پذیرفته و جزء قواعد روزمره خود قرار می‌دهد، با این روش می‌توان به سادگی اطلاعات خاصی را وارد سیستم اطلاعاتی مغز کرد، بدون این که شخص در موقع شنیدن متوجه پیام درونی آن شود. این سیستم اطلاعاتی و گیرنده پیام‌ها را در اصطلاح «درک فراآگاهی» می‌گویند. (پیام‌هایی که گوش نمی‌شنود، ولی مغز آن‌ها را دریافت می‌کند).^۲

یک مورد واقعی برای تأثیر سریع و غیر قابل انکار این گونه پیام‌ها بر مغز، در یکی از سینماهای نیویورک در طی پخش یک فیلم خاص اتفاق افتاد. در طی نمایش این فیلم، میزان خرید نوشابه «کوکا کولا» و «پاپ کورن» به چندین برابر حالت عادی می‌رسید. دلیل آن این بود که صحنه قابل دیدن برای چشم در یک لحظه در روی نوار فیلم، ۵ یا ۶ قاب است؛ طراح این کار بین هر ۱۶ قاب، یک اسلاید کار گذاشته بود که روی آن نوشته بود: «نوشیدن کوکا کولا و خوردن پاپ کورن لذت‌بخش است». دیدن این اسلاید برای چشم غیر ممکن است و این قضیه زمانی لو رفت که فیلم روی یکی از همین اسلایدها پاره شد و این عبارت روی سینما دیده شد. این نمونه، نشانگر قدرت مغز انسان است که از هر کامپیوتر، سریع‌تر و دقیق‌تر عمل می‌کند.

خوانندگان بسیاری چون لیدی گاگا، مدونا، بریتنی اسپیرز و ... در سایه حمایت‌های فراماسونری و ایلومنتی و با سرمایه‌گذاری هنگفت آن‌ها، به شهرتی یک شبه دست یافته و در راستای پروژه‌های کنترل ذهن، خود به ابزاری در خدمت ترویج اهداف فراماسونری در عرصه موسیقی تبدیل گردیده‌اند. به عنوان مثال، لیدی گاگا (متولد سال ۱۹۸۶ در شهر نیویورک) که نام اصلی‌اش جوان استفانی آنجلینا جرمانوتا است و شاید کمتر ستاره‌ای در عالم موسیقی پاپ توانسته به اندازه او در مدتی کوتاه، چنین تأثیری بر روی شنوندگان و تماشاگران خود داشته باشد، در سال ۲۰۰۹ توانست در سایه حمایت لابی‌های فراماسونری و فرقه‌های ایلومنتی، نامزد دریافت نُه جایزه موسیقی ام.تی.وی (MTV) شود و اخیراً هم پنج نامزدی از جمله «بهترین هنرمند سال» آمریکان میوزیک آوارد (American music award) را از آن خود کرد. در ماه ژوئن ۲۰۰۹ نیز، مجله فوربز جایگاه چهارم از لیست ۱۰۰ نفره قدرتمندترین و تأثیرگذارترین افراد در جهان را به لیدی گاگا داد. در نظرسنجی مجله Time در بین کل شخصیت‌های جهان اعم از سیاسی، فرهنگی و ... که اشخاصی مثل اوباما و آنجلینا جولی و افراد معروف دیگری شرکت داشتند، Lady GaGa توانست جز ۱۰۰ شخصیت اول تأثیرگذار در جهان باشد. به دست آوردن چنین شهرتی در مدتی کوتاه، به دلیل حمایت‌های پشت‌پرده و همه‌جانبه فراماسونری با آن نفوذ و گستردگی ویژه می‌باشد.

لیدی گاگا دختری ساده و نسبتاً زشت است و انتخاب او از طرف دولت آمریکا به عنوان خواننده فراماسونری زیرکانه بوده است؛ چون افراد زیادی می‌توانند با او همراه شده و همذات‌پنداری کنند. لیدی گاگا از معدود خواننده‌هایی است که به راحتی و بدون حجلت در مورد سکس و مسائل مربوط به همجنس‌گرایی در رسانه‌ها صحبت می‌کند و این موضوع بیش از پیش توجه منتقدان را به مسئله کنترل ذهن و به کارگیری آن در مورد لیدی گاگا جلب می‌کند. گاگا در مراسم اهدای جوایز بهترین ویدئو موزیک‌های سال ۲۰۰۹ که توسط کانال «ام.تی.وی» در نیویورک برگزار شد، در حالی که جایزه

پیام‌های عمده این آهنگ‌ها، بر پایه کفر به خدا و انبیا، دعوت به سکس، مواد مخدر، خودکشی و قتل است و به طور دائم در طول اجرای موسیقی و کنسرت، با هدف کنترل ذهن مخاطب طرح و بیان می‌گردند. این پیام‌ها اغلب با صدای بسیار ضعیف و کوتاه در پس زمینه نوار ضبط می‌شود که گوش قادر به شنیدن مستقیم آن‌ها نیست.

بهترین هنرمند جدید را از دستان خواننده معروف رب «امینم» دریافت می‌کرد، در حضور ستارگان موزیک دنیا بعد از ادای احترام به مایکل جکسون و بیان احساساتش، این جایزه را به تمام کسانی که گرایش جنسی‌شان به جنس موافق است تقدیم کرد! چشم جهان‌بین و دیگر نمادهای شناخته شده فراماسون‌ها، به وفور در کنسرت‌ها و آلبوم‌های گاگا مشاهده می‌گردد. اغلب افراد تصور می‌کنند اشاره و تأکید گاگا به یک‌چشمی و چشم جهان‌بین، صرفاً یک کار بی‌معنی و جهت جلب خواننده و یا یک جور مد است، اما پوشاندن یک چشم و تظاهر به یک‌چشمی و همچنین طرح نمادهایی مانند سر گرگ و هرم ماسونی و ... را نمی‌توان اتفاقی و بی‌برنامه دانست. طرح نمادهای ماسونی، در میان خوانندگان موسیقی به یک اپیدمی شایع تبدیل شده و به وفور مشاهده می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عبداللہی خوروش، حسین؛ تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب؛ ناشر: بنگاه مطبوعاتی مطهر اصفهان، ص ۶۵.
۲. همان.

